



روحانی:

هر فردی که ماسک نزند ۵۰ هزار تومان جریمه می شود

ایسنا: رئیس جمهور گفت: اگر کسی از ماسک استفاده نکند، ۵۰ هزار تومان جریمه می شود و نیروی انتظامی و بسیج ما این وظیفه را بر عهده دارند که جریمه را به فرد متخلف اعلام کنند. حجت الاسلام حسن روحانی در سخنانی در جلسه ستاد ملی مدیریت بیماری...

صفحه ۲

یکشنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۹ - ۲۳ صفر ۱۴۴۲ - ۱۱ اکتبر ۲۰۲۰



صبح دیروز برگزار شد

هزارستان موسیقی را به آغوش خاک سپردیم

در این چند روز مشتاقان و علاقه مندان استاد آواز ایران، در شبکه های اجتماعی تصاویری از حس وحال شهر مشهد منتشر کرده بودند. تصاویری از مسیر ورودی شهر توس که عکس های استاد بر بیلوردهایی قرار گرفته و نوای ربنا پخش می شود...

صفحه آخر

سال هجدهم • شماره ۳۸۲۸ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

این عشق خدایی است

احمد شیرزاد - استاد دانشگاه



خداوند عشق بعضی آدمها را به دل مردم می اندازد، دوست داشتنی می شوند و محبوب، محمدرضا شجریان از این قماش انسان ها بود. محبت او به دل میلیون ها ایرانی افتاد و آنها را در غم از دست دادن هنرمند مردمی و بامرامشان سوگووار کرد. شاید خیلی ها در این کشور بزرگ خوش صوت باشند، شاید خیلی ها با تکنیک های آواز آشنا باشند اما من شهروند ایرانی تنها به اولی که به دلم می نشیند واکنش نشان می دهم. نوای استاد آرامش بخش بود و به دل می نشست. البته حتما از غنای میراث ارزشمند موسیقی اصیل ایرانی و فوت و فن کار هم سرشار بوده است، اما به زعم من آنچه آوای استاد را دلنشین می کرد، آن ارتباط معنوی و روحی بود که حنجره جادویی شجریان با شعر غنی فارسی برقرار کرده بود و آن سوز و احساس ویژه ای که در متن آواز آن عزیز جاری بود.

شجریان به تمام معنی یک هنرمند بود، هنرمندی که در شرایط گوناگون در کنار مردمش بود و رنگ و بوی آنها را داشت. در انقلابش، در مبارزاتشان، در شادی شان و در قهر و آشتی شان، شجریان همان بود که عموم مردم بودند. خاک پای مردم ایران بودن افتخاری است که نصیب هرکس نمی شود. همین امروز خیلی ها خود را به آب و آتش می زنند و ادعای خدمتشان گوش فلک را کر کرده است و حسرت می خورند که ای کاش ذراتی از محبت مردم ایران دامن آنها را هم می گرفت. رمز محبت مردم صداقت با آنهاست. کافی است با مردم و احساس و روحیاتشان ارتباط معنوی برقرار کنی تا در معرض دوستی آنان قرار بگیری. فراوانند کسانی که هر روز و هر هفته در قاب رسانه تصویری رسمی کشور ظاهر می شوند و هیچ فرصتی را برای دیده شدن توسط دوربین ها از دست نمی دهند اما نمی توانند کسر ناچیزی از توجهی که امثال شجریان به دست آورده اند، از آن خود کنند. سال ها قهر و بی مهری رسانه رسمی کشور و نادیده گرفتن استاد نتوانست آوای جادویی او و خاطرات حضورش در میان مردم را زده دود کند.

این روزها از آن سو کسانی تلاش دارند تا استاد آواز ایران را در کسوت یک چهره اپوزیسیون جلوه گر کنند تا تصویری را که برخی می خواستند از شجریان ترسیم کنند، تثبیت شود. این جفایی بزرگ در حق شجریان و خانواده محبوب اوست. هنرمندانی چون او تا جایی که در همان کسوت زیبای هنری خود هستند، جذابیت دارند و با همین جذابیت است که وقتی با مردهشان همراهی می کنند، گیرا می شود. برجسته سازی افراطی تصویری سیاسی از سویی و تداوم لجاجت کسانی که در حق او و مردمی که دوستش داشتند جفا کردند از سویی دیگر، جامعه را به سمت وسوی دست بندی های نابجا سوق می دهد و آن چهره وحدت بخشی را که هنرمندان و محبوبیت آنها برای یکپارچگی جامعه دارند، از آنان می گیرد. جای آن دارد که در کنار افسوس از دست دادن استاد شجریان، از بابت فرهنگی غنی و افتخارآمیز که توانست است چنین فرزندی را در خود پیورود بر خود بیابیم. بر نعمت هنرمندان موجود شکرگزار باشیم و از اینکه شهروند کشوری هستیم که شعر بلند شعرای نامی و آوای روح بخش امثال شجریان در آن جاری است، احساس افتخار و سربلندی کنیم.



«شرق» دولت دوم هاشمی را بررسی می کند

مرد انتخابات دوقطبی

عکس: Reuters

صفحه ۴



با انتشار شایعه ابتلای رئیس مجلس، په کرونا

اصولگرایان پشت قالیباف در آمدند

عکس: مهری قربانی، موج

صفحه ۴

تیترا

در سومین جلسه رسیدگی به پرونده بانک سرمایه مطرح شد

توزیع BMW اتهام جدید تهیه کننده شهرزاد

صفحه ۵

ارتباط روحانی با اصلاح طلبان پس از هاشمی

صفحه ۲

رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس نهم بازداشت شد!

صفحه ۲

آیا زنان همچنان به دلیل جنسیت رد صلاحیت خواهند شد؟!

صفحه ۲

مسئولان هشتگ باز

صفحه ۹

موج جدید مهاجرت ها با خروج ستاره های معلول

صفحه ۱۱

حرف اول

یک دلار برای سلامت روان ۴ دلار منفعت

حسین نامبری



جمعه هجدهم مهر، روز جهانی سلامت روان بود: «سلامت روان برای همه؛ سرمایه گذاری بیشتر، دسترسی بیشتر». اینکه چرا این شعار برای امسال در نظر گرفته شده است، روشن است: غفلت. طبق گزارش سازمان ملل دسترسی افراد مبتلا به اختلالات روان شناختی در وضعیت مناسبی قرار ندارد؛ به گونه ای که در کشورهای توسعه یافته ۵۰ درصد و در کشورهای در حال توسعه ۸۵ درصد از افراد مبتلا، به هیچ نوع درمانی دسترسی ندارند. بنا به گفته های رئیس فدراسیون جهانی سلامت روان- اینگرید دبیلر- «متأسفانه انکار جهانی و سرمایه گذاری های ناچیز در حوزه سلامت روان در سال های متعددی باعث شده است به وضعیت شرم آوری شده است که عدم دسترسی به درمان، حق افراد برای سلامتی را مختل کرده است؛ به ویژه اینکه این مسئله پس از بحران کرونا به مراتب وخیم تر شده است. سیاست گذاری های نادرست در تأمین اعتبار در حوزه سلامت روان و عدم دسترسی به خدمات درمانی باعث شده است تا افراد نتوانند زندگی شایسته ای را پیش بگیرند». باوجوداین، سازمان ملل معتقد است برای اینکه کشورها در مواجهه با ویروس کرونا بهترین عملکرد را داشته باشند، ضروری است که سلامت روان را در رأس اقدامات خود قرار دهند. همان طور که هشدارهای دانشمندان زیست محیطی مبنی بر حیاتی بودن اقدامات فوری برای نجات کره زمین از نابودی جدی گرفته نشده است، در حوزه سلامت روان نیز در دو دهه گذشته هشدارهای مکرر مورد بی توجهی محض قرار گرفته اند. در نشست جهانی اقتصاد (۲۰۱۸) به این مهم پرداخته شد که اختلالات روان شناختی در همه کشورها در حال افزایش است و چنانچه در سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۳۰ اقدامات مناسبی صورت نگیرد، اقتصاد جهان ۱۶ تریلیون دلار متضرر خواهد شد. براساس اطلس جهانی سلامت روان در سال ۲۰۱۴ دولت ها به طور میانگین فقط سه درصد از بودجه سلامت خود را صرف سلامت روان کرده اند. با این توضیح که این رقم در کشورهای با درآمد پایین، کمتر از یک درصد و در کشورهای ثروتمند پنج درصد است. اعتبار مورد نیاز برای ارائه خدمات دارویی و روان درمانی در نزدیک به ۱۵ سال (از ۲۰۱۶ تا ۲۰۳۰) ۱۴۷ میلیارد دلار برآورد شده است که در مقایسه با ضرر هنگفت ناشی از آن عدد ناچیزی به نظر می رسد.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

دردمان را نیست پایان...



نقیسه زارع کهن

برای منی که از دست دادن، بخش بزرگی از زندگی ام بوده و همین چند ماه پیش عزیزترین عزیز زندگی ۳۹ ساله ام را از دست دادم، سوگ و سوگواری و عزاداری معانی غریب و غیرقابل فهمی نیست. روزها و شب ها با آنها دست و پنجه نرم کرده ام، کلافه شده ام، هوار کشیده ام و اشک ریخته ام تا اندکی تحملشان کنم، اما اگر همراهی باقی عزیزان و آغوششان، کلمات تسکین دهنده شان و همراهی شان نبود، اگر با چشم خود نمی دیدم که جانم می رود، اگر از پی تابوتشان نمی دویدم و اشک نمی ریختم، چطور می توانستم باور کنم، چطور می توانستم تحمل کنم این هجمه و درد را... حالا اگر چه چندین ماه است که مصیبت آشیانه پهن کرده و نمی رود و یک به یک عزیزانمان را این سیاهی می بلعد، اما این آخری، این از دست داندی که البته غیرمنتظره نبود، انگار چیز دیگری است و از جنس دیگری است؛ انگار هویتمان را از دست داده ایم و تاریخ و پشت و پناهمان را در توس جا گذاشته ایم... انگار یتیم شده ایم؛ صایمان را از کف داده ایم... برای تحمل این درد، سوگ دسته جمعی می خواستیم، شانه هایی که یک به یک بر آن تکیه کنیم و اشک بریزیم. عکس استاد بر دست باید ساعت ها می ماندیم و گریه می کردیم... همایون باید می خواند و اشک می ریخت نه آن طور غریبانه و با صدای خش دار و خسته؛ نه آن طور که ظرف ۷۲ ساعت شکسته شود، دلش شور مردم را بزند، دل نگران آنها باشد و از یک سو داغ پدر هم بردوش بکشد.

نه آن طور، نه!

باید بلند می خواند، بی دل گرانی می خواند و ما به پهنای ایران همراهی اش می کردیم و ناله سر می دادیم. این سوگ های فردی و تنها، این فاصله گذاری های لعنتی، این نوع برخورد با دل از دست دادگان، داغ دل ما را نمی نشاند، آرامان نمی کند! این عزاداری ها و تنهایی های دسته جمعی دواي درد و زخم ما نیست. ما حالا سوگوارانی هستیم که فرصت سوگ نداریم؛ ما سینه هایی پر دردم که دردمان آرام نگرفته...

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

گلبانگ سربلندی بر آسمان زد



احسان هوشمند

خسروی از میان ما رخت برپست که عمری مشفقانه نگران سرنوشت ایران و ایرانیان و فرهنگ ایران زمین بود. استاد محمدرضا شجریان به عنوان استاد مسلم آواز ایرانی چهره ای شناخته شده در ایران، ایران فرهنگی دست و پنجه نرم کرده ام، کلافه شده ام، هوار کشیده ام و اشک ریخته ام تا اندکی تحملشان کنم، اما اگر همراهی باقی عزیزان و آغوششان، کلمات تسکین دهنده شان و همراهی شان نبود، اگر با چشم خود نمی دیدم که جانم می رود، اگر از پی تابوتشان نمی دویدم و اشک نمی ریختم، چطور می توانستم باور کنم، چطور می توانستم تحمل کنم این هجمه و درد را... حالا اگر چه چندین ماه است که مصیبت آشیانه پهن کرده و نمی رود و یک به یک عزیزانمان را این سیاهی می بلعد، اما این آخری، این از دست داندی که البته غیرمنتظره نبود، انگار چیز دیگری است و از جنس دیگری است؛ انگار هویتمان را از دست داده ایم و تاریخ و پشت و پناهمان را در توس جا گذاشته ایم... انگار یتیم شده ایم؛ صایمان را از کف داده ایم... برای تحمل این درد، سوگ دسته جمعی می خواستیم، شانه هایی که یک به یک بر آن تکیه کنیم و اشک بریزیم. عکس استاد بر دست باید ساعت ها می ماندیم و گریه می کردیم... همایون باید می خواند و اشک می ریخت نه آن طور غریبانه و با صدای خش دار و خسته؛ نه آن طور که ظرف ۷۲ ساعت شکسته شود، دلش شور مردم را بزند، دل نگران آنها باشد و از یک سو داغ پدر هم بردوش بکشد.

نه آن طور، نه! باید بلند می خواند، بی دل گرانی می خواند و ما به پهنای ایران همراهی اش می کردیم و ناله سر می دادیم. این سوگ های فردی و تنها، این فاصله گذاری های لعنتی، این نوع برخورد با دل از دست دادگان، داغ دل ما را نمی نشاند، آرامان نمی کند! این عزاداری ها و تنهایی های دسته جمعی دواي درد و زخم ما نیست. ما حالا سوگوارانی هستیم که فرصت سوگ نداریم؛ ما سینه هایی پر دردم که دردمان آرام نگرفته...

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

آن که یکی از هزار گفت



حمید بهلولی

شجریان، استادی در تراز عشق؛ آن که یکی از هزار گفت/ مرا چشمی است خون افشان ز دست آن کمان ابرو هزاران گونه پیغام است و حاجب در میان ابرو کارنامه شجریان از سیاش «گله ها» تا خسرو آواز. اگر چه حیرت انگیز است اما نسبت آنچه آوای شیدای موسیقی ایران فرصت خواندن یافت، با آنچه فرصت نیافت و با کمال تأسف این تفاضل از غنای فرهنگ، شعر و موسیقی ایران زمین از دست رفت، شاید یک به هزار باشد. شجریان وجود نازنین و مغتیمی بود که می بایست و می توانست در چند دهه گذشته، چهار قرن آینده را از شراب تغزل عرفانی و غنای موسیقی ایرانی سیراب کند اما افسوس که «مهربانی سر آمد» و او با همه تلاش خود به تنهایی و در مقابل همه ناملایمات تنها توانست میزان کوچکی از آن ذخیره عظیم بالقوه را که در وجود او به ودیعه گذاشته شده بود، در قلمرو بحران ها به فعلیت برساند و با این حال میراث گران بهایی از آثار تکرارناپذیر و شاگردان و فرزندان با قابلیت از خود به جامعه هنر اصیل و اخلاقی ایران و جهان عرضه کرد که موسیقی زبانی است که نیاز به ترجمه ندارد؛ چراکه با فطرت انسان ها سخن می گوید.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

نامی نامیرا در تاریخ ایران



مصطفی ایزدی

مگر می توان دست به قلم بود یا دارای احساس انسانی بود و در مرگ هنرمندی بزرگ و انسانی سترگ چون استاد شجریان ننوشت و نگفت؟ محمدرضا شجریان پرجاذبه ترین هنرمند معاصر کشورمان و شاید هم تاریخ ایران بود. در ایران معاصر هنرمندان فراوانی در رشته های گوناگون هنر و ادبیات زیسته اند، اما بر حسب نظر اساتید نام آشنای علم و ادب و هنر، هیچ کس در مقام عزت و جاذبه عام و فراگیر به پای استاد بزرگ آواز ایران، بلکه اقالیم فارسی زبان نمی رسد. خیلی ها می آیند، می روند و سال ها پای جادوی آنها می شود، اما بعضی ها چراغ نام و یادشان خاموشی ندارد. تا هنر هست، تا شعر هست، تا شجاعت هست، تا شرف و انسانیت هست، تا روح پراحساس انسان های معناخواه هست، صاحبان اصیل این ارزش های والای بشری هم هستند. اینان در طول زمان تا مرز بی نهایت زنده و جاویدان اند. مگر قابل تصور است روزی فرارسد که نامی از فردوسی و مولوی برده نشود، نام حافظ، سعدی، فارابی و خیام، ابن سینا و ابن حیان، نینما و دیگرانی که فرهنگ ساز ایران بوده اند، بر زبان ها و قلم ها جاری نشود؟ و چنین است نام برشکوه محمدرضا شجریان.

ادامه در صفحه ۴

شماره ۶۹ اندیشه پویا منتشر شد

این صدای آزادی خواهی است

گفت و گویی منتشر نشده با محمدرضا شجریان

رجوع به صفحه ۱۱

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

خبر به وقت شرق



به تلگرام شرق پیوندید

@sharghdaily